گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۰۷۰۶۸
یکشنبه ۴ آذر ۱۴۰۳ ۱۰:۲۷

از حرف تا عمل

# ناترازی در ایران: گره‌های پیچیده و سخنان شعاری مسئولین

ناترازی در ایران یکی از عمیق‌ترین مشکلاتی است که به شکلی سیستماتیک در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی مشاهده می‌شود. از ناترازی در بودجه کشور و کمبود منابع مالی گرفته تا ناترازی‌های مدیریتی، توزیع ثروت و فرصت‌های برابر، این معضل به پدیده‌ای همه‌جانبه تبدیل شده است

به گزارش خبرنگاران گروه اقتصاد گزارش خبر_انرژی: ناترازی های فعلی کشور بصورت یک شبه و آنی بوجود نیامده حاصل سالها بی تدبیری است ، این مسئله، ناشی از نبود برنامه‌ریزی علمی، مدیریت ناکارآمد و اتکای مسئولین به شعارهای سطحی به جای ارائه راه‌حل‌های عملی است. از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی گرفته تا ناترازی انرژی و حذف تدریجی ایران از معادلات استراتژیک منطقه‌ای و جهانی، کشور با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کند که بدون اصلاحات واقعی قابل‌حل نخواهد

ناترازی در اقتصاد: بحران اعتماد و عدالت

اقتصاد ایران دهه‌هاست که گرفتار ناترازی ساختاری است. از کسری بودجه مداوم گرفته تا نرخ بالای تورم و کاهش قدرت خرید مردم، شکاف میان وعده‌های مسئولان و وضعیت واقعی مردم روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود.

به‌طور مثال، برنامه‌های مختلف اقتصادی همچون طرح‌های مسکن ملی یا کنترل تورم، بیش از آنکه نتیجه‌ای ملموس برای مردم داشته باشد، صرفاً ابزاری برای جلب رضایت کوتاه‌مدت افکار عمومی بوده است. شعارهایی

نظیر "مهار تورم" یا "ایجاد اشتغال پایدار" بدون شفافیت در منابع مالی، برنامه‌ریزی اجرایی و ارزیابی عملکرد، تنها به بی‌اعتمادی مردم منجر شده است. گویی مسئولان فراموش کرده‌اند که اقتصاد، عرصه ارقام و عملکرد واقعی است، نه بازی با واژه‌ها.

ناترازی در انرژی: شکاف میان ظرفیت و مصرف

یکی از بحران‌های اساسی ایران در حوزه انرژی، عدم تعادل میان تولید و مصرف است. با وجود ذخایر عظیم نفت و گاز، مدیریت ناکارآمد و سیاست‌های ناپایدار منجر به هدررفت منابع و مشکلاتی چون قطع برق، افت فشار گاز و بحران سوخت شده است.

هدررفت انرژی

زیرساخت‌های فرسوده، استانداردهای پایین بهره‌وری و نبود سرمایه‌گذاری کافی در فناوری‌های جدید باعث شده است که هدررفت انرژی در کشور به شکل غیرقابل‌قبولی بالا باشد. طبق آمارهای جهانی، ایران یکی ازبزرگ‌ترین هدردهندگان انرژی در جهان است. وابستگی به یارانه‌های سنگین: سیاست‌های یارانه‌ای در حوزه انرژی، با وجود اهداف اولیه‌ای چون حمایت از اقشار ضعیف، به شکلی مدیریت نشده و ناکارآمد اجرا شده است.

این یارانه‌ها به جای تشویق بهره‌وری و کاهش مصرف، منجر به افزایش اتلاف و سوءاستفاده شده‌اند. عدم توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر: در حالی که بسیاری از کشورها به سمت انرژی‌های پایدار مانند خورشیدی و بادی

حرکت کرده‌اند، ایران با وجود پتانسیل بالا در این حوزه، همچنان در مراحل اولیه توسعه این منابع قرار دارد. این ناترازی‌ها، نه‌تنها مشکلات داخلی مانند کمبود انرژی و نارضایتی عمومی را تشدید کرده، بلکه به کاهش توان ایران در صادرات انرژی و استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی خود منجر شده است.

حذف ایران از کریدورهای حمل‌ونقل و تجاری: فرصتی که به تهدید تبدیل شد

یکی دیگر از پیامدهای ناترازی مدیریتی و سیاست‌گذاری نادرست، کاهش تدریجی نقش ایران در کریدورهای حمل‌ونقل و تجاری منطقه‌ای و جهانی است. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود، یکی ازمسیرهای کلیدی برای ارتباطات تجاری شرق و غرب به شمار می‌آید. با این حال، طی سال‌های اخیر، این فرصت استثنایی به دلیل نبود برنامه‌ریزی مناسب، تحریم‌ها و سیاست‌های ناکارآمد در حال از دست رفتن است. کریدور

شمال-جنوب: این کریدور که ایران را به عنوان حلقه کلیدی میان آسیا و اروپا معرفی می‌کند، به دلیل کندی در توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک، در حال واگذاری به رقبایی مانند آذربایجان و ترکیه است.

کریدور شرق-غرب (جاده ابریشم جدید): با وجود پروژه‌های کلانی مانند ابتکار "کمربند و جاده" چین، ایران به دلیل تحریم‌ها و عدم تعامل مؤثر با سرمایه‌گذاران بین‌المللی، از مشارکت فعال در این طرح‌ها کنار گذاشته شده است. مسیرهای جایگزین از طریق پاکستان، افغانستان و آسیای میانه به مرور جایگزین مسیرهای عبوری از ایران شده‌اند.

حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای: ناکارآمدی در گسترش خطوط ریلی و جاده‌ای، کاهش جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این حوزه و تحریم‌های اقتصادی، ایران را از لیست اولویت‌های شرکت‌های بین‌المللی خارج کرده است.

پیامدها: انزوای استراتژیک و از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی

از دست دادن موقعیت‌های تجاری و حمل‌ونقل برای ایران، صرفاً یک عقب‌ماندگی اقتصادی نیست؛ بلکه به معنای کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی کشور در منطقه و جهان است. مسیرهایی که می‌توانستند منبعی پایدار برای درآمدهای ارزی، اشتغال‌زایی و تقویت موقعیت ایران در معادلات بین‌المللی باشند، اکنون توسط کشورهای دیگر تصاحب شده‌اند.

شعارزدگی مسئولان: انکار بحران‌ها یا تشدید آن‌ها؟

در حالی که این بحران‌ها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و عزم جدی برای اصلاحات هستند، بسیاری از مسئولین با تکرار شعارهایی نظیر "ما در مسیر توسعه هستیم" یا "تحریم‌ها عامل همه مشکلات هستند"، عملاً مسئولیت خود را نادیده می‌گیرند. این در حالی است که حتی در شرایط تحریم نیز کشورهای دیگر با برنامه‌ریزی صحیح توانسته‌اند مزایای اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود را حفظ کنند.

چه باید کرد؟

۱. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها: ایران نیازمند توسعه زیرساخت‌های مدرن در بخش حمل‌ونقل و انرژی است تا بتواند جایگاه خود را در کریدورهای منطقه‌ای بازپس گیرد.

۲. تنوع‌بخشی به منابع انرژی: حرکت به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، یک ضرورت استراتژیک برای کاهش ناترازی در بخش انرژی است. ۳. تعامل با همسایگان و جهان: دیپلماسی فعال‌تر و کاهش تنش‌ها می‌تواند فرصت‌های تجاری و حمل‌ونقل را بازآفرینی کند.

۴. اصلاح سیاست‌های یارانه‌ای: با هدف تشویق بهره‌وری و کاهش هدررفت، یارانه‌ها باید به شکلی هدفمندتر و عادلانه‌تر تخصیص یابند.

نتیجه گیری

ناترازی‌های ایران، از انرژی گرفته تا حمل‌ونقل، بازتابی از ناکارآمدی مدیریتی و سیاست‌های شعاری است که به جای تقویت زیرساخت‌ها و فرصت‌ها، باعث هدررفت منابع و کاهش توان رقابتی کشور شده‌اند. پرتاب توپ به زمین مردم و مقصر جلوه دادن آنها در هر زمینه ایی نشان ازبی برنامه گی های دراز مدت است،پس بدون تغییر رویکرد و اصلاحات عمیق، این ناترازی‌ها نه‌تنها به بحران‌های داخلی دامن می‌زنند، بلکه جایگاه استراتژیک ایران را در منطقه و جهان به خطر می‌اندازند. زمان آن رسیده که به جای شعار، اقدام کنیم